



IRAQI
Academic Scientific Journals



العراقية
المجلات الأكاديمية العلمية

ISSN: 2663-9033 (Online) | ISSN: 2616-6224 (Print)

Journal of Language Studies

Contents available at: <http://www.iasj.net/iasj/journal/356/about>



"Evaluating word formation components apart from verbs in Mahwi's Persian poems"

Layla Ali Rahman Rahimi*

Department of Persian , college of Language, University of Salahaddin

Laylarahman@su.edu.krd

Received: 12/ 1 /2023 , Accepted: 28 / 2 /2023, Online Published: 1 / 4 / 2023

©2023 College of Education for Women, Tikrit University. This is an open Access Article under The Cc by LICENSE <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



Abstract

This research is entitled " Evaluating word formation components apart from verbs in Mahwi's Persian poems" aiming at analyzing morphological aspects, word formation and its constituents in his poems.

The study begins with a brief explanation of Mahwi's life, imagination and opinion. Regarding the data, Mahwi's own Persian poems are utilized as data to conduct the research. Moreover, the present study demonstrates morphological analysis and its role for conveying and introducing meaning and messages that have been implemented.

Depending on the extent of the research and the basis of theory (literature review), the components of the compound, complex and compound complex have been illustrated

* Corresponding Author: Layla Ali Rahman, Email: Laylarahman@su.edu.krd

Affiliation: Salahaddin University - Iraq

through providing examples. Furthermore, Mahwi's poems have been analyzed from the perspective of word constituents in the current research.

It is worth mentioning that a word by its compound, complex or a mixture of both components apart from verbs are the items and materials of the study.

In this study, the stated concepts, different types of constituents and morphemes have been accurately referred to, analyzed, and illustrated via providing examples from the poems as an evidence.

The Findings show that the poet has created, apart from common and used words and expressions, specific neologism in word constituents and expressions and introduced words in the morphology scope.

The tables in the analysis of the study play a leading role through illustrating morphological types and most of constituents on the tables.

The purpose behind utilizing abbreviations in this paper is to avoid repetition. In addition, the researcher has taken into consideration the economy of language though using symbols and intended terms in the study.

Keywords: Word Constituents, Morpheme, Complex, Compound, Compound-complex, Mahwi

تقييم مكونات البنية الصرفية في أشعار محوي الفارسية

ليلا على رحمان رحيمي

مدرس مساعد القسم اللغة الفارسية، جامعة صلاح الدين

المستخلص

إنّ هذا البحث عنون بـ(تقييم مكونات البنية الصرفية في أشعار محوي الفارسية) قاصداً تحليل البنية الصرفية والاشتقاقية للمفردات باستثناء المكون الفعلي واستهل بنبذة مختصرة عن حياة الشاعر وفكره متخذاً الأشعار الفارسية ميداناً للدراسة مهتماً بالجانب الصرفي وتحليلاته ووظيفته التواصلية في عملية التخاطب والتفاهم. وقد تطرق البحث الى الجانب التنظيري للطروحات التي تساهم في الجانب التطبيقي مركزاً على نماذج و استشهادات مختارة توضح المكونات المشتقة والمركبة، وقد سلط البحث الضوء على هذه المفردات في أشعار محوي مبيناً أن المفردات المركبة هي المادة الخام للدراسة. وقد بدأ البحث عن المورفيم ومكوناته وأصنافه موضحاً ذلك بالنماذج والعينات الشعرية المختارة وقد توصل البحث من خلال البحث والتمحيص أن الشاعر قد أسهم في التجديد على مستوى البنية الصرفية وفق مبدأ الاشتقاق. وقد ألحق بالبحث جداول واحصاءات تبيّن الأصناف الصرفية ومكوناتها كما استفاد البحث من الرموز والاشارات تجنباً للتكرار في إطار مبدأ الاقتصاد اللغوي.

الكلمات الدالة: مكونات المفردة، المورفيم، المركب، المشتق، محوي .

بررسی ساخت اشتقاقی کلمات غیر فعلی در اشعار فارسی محوی

پژوهشگر:

لیلا علی رحمان رحیمی

دانشگاه صلاح الدین

چکیده

بحث حاضر با عنوان بررسی ساخت اشتقاقی کلمات غیر فعلی در اشعار فارسی محوی در راستای ترکیب سازی و ساختواژه در زبان فارسی تهیه و تنظیم شده و اشعار فارسی محوی نیز برای بررسی عملی کار، مد نظر واقع گردیده است.

پژوهش حاضر با نگاهی گذرا به زندگی و اندیشه‌ی شاعر شروع می‌شود و اشعار فارسی وی جامعه‌ی آماری این مقاله را دربرمی‌گیرد و با هدف برجسته کردن ساختواژه و بررسی نقش آن در القاء و ارائه‌ی معنی و پیام رسانی مورد توجه واقع شده است.

در مبنای نظری با توجه به چهارچوب و گستره‌ی پژوهش مورد نظر، توضیحات لازم و مورد نیاز در مورد ساختواژه و شاخه‌های آن آمده و مقوله‌هایی چون ساخت مشتق، مرکب و مشتق – مرکب با ذکر مثال بیان شده است، در ادامه، اشعار فارسی محوی از نظر ساختار کلمات بررسی گردیده است و کلمات غیر ساده استخراج و بررسی شده‌اند، لازم به ذکر است که کلمات غیر ساده‌ی غیر فعلی با ساختار مشتق، مرکب و یا آمیزه‌ای از هر دو یعنی مشتق – مرکب جزء مصالح و مواد خام این پژوهش است که در هر یک از مقوله‌های نامبرده انواع ساخت تکواژ به تفصیل اشاره شده است و ذکر نمونه شعری نیز این توضیحات را زیباتر و مستند می‌نماید. در قسمت کار عملی، در هر مجموعه به شماره‌ی تکواژ و نوع آن نیز توجه شده است.

یافته‌ها نشان داد که شاعر علاوه بر کلمات و اصطلاحات کاربردی و آشنا ابداعات خاصی نیز در ساختار کلمه و اصطلاحات ایجاد نموده، بلکه بر دایره‌ی واژگان افزوده است.

جدول در تحلیل این پژوهش دست بالایی دارد و کاربردهای مختلف اشتقاقی در بیشتر ساختها در جدول نیز نشان داده شده است.

در هر جای پژوهش که از علامت اختصاری استفاده شده، توجه به عدم تکرار و رعایت اقتصاد زبان می‌باشد و در ادامه‌ی این نوشته علامت اختصاری و کلمه مورد نظر آمده است.

کلمات کلیدی: ساختواژه، واژک، وند، مشتق، مرکب، مشتق – مرکب، محوی

کلمه مورد نظر

علامت اختصاری

ت.ت.	تاریخ تولد
ت.ف.	تاریخ وفات
م.ت.	محل تولد
ت.آ.	تکواژ آزاد
ت.و.	تکواژ وابسته
قط	قطعه
غ	غزل
ف	فرد
ص	صفحه
ب	بیت

۱- مقدمه

زبان یک نهاد اجتماعی و یکی از نعمت‌های خدادادی برای نوع بشرست، که نقش‌های گوناگونی دارد و مهمترین آن نقش ارتباطی می‌باشد.

آیات ﴿ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾ البقرة: ۳۱ و ﴿ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿۳﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿۴﴾ الرحمن: ۳ - ۴ نشان بر

اندیشمندی انسان و برخورداری از نیروی نطق است و انسان را از همان بدو پیدایش بر اریکه‌ی تمدن و فرهنگ می‌نشانند. انسان که به صورت اجتماعی آفریده شده است برای برآوردن نیازهای زندگی خود، به کمک زبان، با هم‌نوعانش به برقراری ارتباط می‌پردازد. سیستم معنوی و عقلانی زبان به دو صورت گفتار و نوشتار نمود دارد و حالت حسی می‌یابد؛ دو صورت مادی که انسان از طریق آن پیام می‌رساند و دریافت پیام می‌کند.

کلمه یکی از واحدهای زبان است که با تراوش اندیشه از آسمان زبان انسان بر میدان سخن و کتابت به وجود می‌آید، هر موجود غیرزنده که از تلاش انسان و در ساحت اندیشه‌ی بشر اختراع می‌شود، نامی برای خود می‌طلبد و کلمات بی‌شمار هر زبانی از معدود حروفی به وجود می‌آید که امروزه آن را با نام الفبای آن زبان می‌شناسیم. اقتصاد زبان به کمک قواعد ترکیب، روند کلمه‌سازی را در هر زبانی آسان و روان می‌سازد و با طرح اشتقاق و ترکیب کلمات، دایره‌ی واژگان زبان توسعه می‌یابد. در همین راستا بحث حاضر به بررسی ساختمان کلمات غیرساده در اشعار فارسی محوی پرداخته و اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- ❖ با بررسی ساختار کلمات در اشعار فارسی محوی، به چگونگی سیستم اشتقاق واژگان این زبان توجه می‌شود.
- ❖ اندیشه‌های تازه، ساخت کلمات جدید را می‌طلبد؛ کلماتی که اندیشه در قالب آن ریخته می‌شود، از قواعد اشتقاق یا ترکیب به وجود می‌آید.
- ❖ توجه به ساخت کلمات، اهل پژوهش را هرچه بیشتر با توانایی و هنرمندی و یا ضعف شاعر در تعبیر و ترکیب‌سازی کلمات آشنا می‌کند.

❖ توجه به توانمندی شاعران کوردزبان و معرفی آنان، که به زبان دوم خامه نگاری کرده و شعر سروده، و طبع خود را با ذوق و هنر و تخیلات شاعرانه آزموده، و دستاوردهایی درخور تقدیم ادبیات کوردی و فارسی نموده‌اند.

محو در طریقت و اندیشه‌ی تصوف به مولانا خالد نقشبندی اقتدا می‌کند، اشتیاق به درک حقیقت و بلکه رسیدن به حقیقت در اشعار محوی به روشنی پیداست و در این مورد مولانا خالد، جزء چهره‌های سرشناس حیات محوی بوده، که صفای مطلوب و منظور را از مسلک و مشرب وی دریافت می‌کند.

مولانا خالد در سال ۱۸۷۷ رساله‌ای با عنوان «عقیده‌ی کوردی نوشته‌است و اهمیت آن در این است که نویسنده‌اش بنیان‌گذار طریقت نقشبندی بوده، و به روشنی گرایش خود به مذهب شافعی را بیان می‌کند. و از طرفی دیگر ارزش ادبی دارد و آن را همراه با مولودنامه‌ی شیخ حسین قاضی می‌توان سرآغاز نثر کوردی دانست.» (مه‌لا، ۲۰۱۳: ۲۴۹) نقل قول با ترجمه.

تأثیری ویژه که در اشعار محوی نسبت به مولانا خالد نقشبندی دیده‌می‌شود، تنها در چارچوب معنی نیست، بلکه با ابداع اصطلاحات و ترکیبات جدید، مفهوم تازه‌ای را نیز وارد اشعارش می‌نماید. یا به عبارتی دیگر، بعضی از کلمات و تعبیرات را برای ارائه‌ی معنی ویژه‌ای می‌آفریند، که به عنوان نمونه «خالدآسا» و «خالدی مشرب شدن» نمونه‌ای از جمله‌ی این کلمات و اصطلاحات است که برای فهم چنین تعبیری ساده، آشنایی با حیات محوی و تأثر وی از مولانا خالد نقشبندی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به نقش ساختواژه در گستردگی دایره‌ی کلمات و همچنین نظر به اینکه حوزه‌ی تحلیلی این پژوهش، اشعار فارسی محوی است، می‌توان این سوالات را مطرح کرد:

- ۱) اشتقاق واژگان چه تأثیری بر پویایی و پایایی یک زبان دارد؟
- ۲) آیا اشتقاق واژگان می‌تواند یکی از راهکارهای آفرینش معنی باشد؟
- ۳) آیا اشتقاق کلمه می‌تواند بستری برای الفاء مفاهیم باشد؟
- ۴) بازتاب ساختواژه‌ی اشتقاقی در اشعار فارسی محوی در چه سطحی می‌باشد؟
- ۵) محوی تا چند توانسته است، اندیشه‌های خود را در قالب اصطلاحات و تعبیرات بدیع برجسته سازد؟
- ۶) آیا محوی برای ارائه‌ی معانی، به ویژه مفاهیم عرفانی و دینی، از ترکیبات و اصطلاحات کلیشه‌ای و کاربردی استفاده کرده است؟

فرضیه

در این پژوهش فرض ما بر این است که دایره‌ی واژگان زبان فارسی از طریق ساختواژه‌ی اشتقاقی گسترده می‌شود و همچنین در هر دوره‌ی زمانی، مفاهیم نو و درعین‌حال بنیادین و حتی فرعی، کلمات و اصطلاحات تازه را با خود وارد بستر زبان می‌کند. شیوه‌ی انجام کار در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است، مبانی نظری در دو حوزه‌ی ۱) تعاریف و کلیات به طور مفصل و زندگی‌نامه‌ی محوی به شیوه‌ی مختصر، ۲) تحلیل ساخت واژه‌ی اشعار فارسی محوی، به بررسی و پژوهش پرداخته است. در قسمت کار عملی، اشعار محوی، جامعه‌ی آماری پژوهش مورد نظر می‌باشد و تمامی ساخت‌های اشتقاقی غیرفعلی در اشعار فارسی وی با ذکر نمونه بررسی شده است. بازتاب اهداف دنبال شده‌ی پژوهش را در یافته‌ها به خوبی می‌توان یافت.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگون و متعددی در زمینه‌ی ساخت و صرف زبان فارسی به نگارش درآمده‌است و به ویژه که ارتباط زبان شناسی با علوم دیگر، حوزه‌ی تحقیقات را پر دامنه نموده، همین مورد سبب شده‌است زمینه‌ی بسیاری از بررسیها، با رویکردی از رویکردهای مختلف زبان شناسی همراه باشد.

پژوهشهای دیگری نیز که به ساختواژه‌ی زبان توجه شده است، یا لایه‌ای از ساختواژه را مورد مطالعه قرار داده و از لایه‌ی دیگر آن صرف نظر نموده‌است، یا این که بررسی در مورد ساختواژه‌ی یکی از زبانهای ایرانی غیر از زبان فارسی و با تأکید بر گویش یکی از شهرها یا استانها انجام شده‌است و این پژوهش با چند ویژگی از دیگر بررسیها ممتاز و متمایز می‌شود:

این پژوهش، ساختواژه‌ی اشتقاقی را در کلمات غیرفعلی به طور کامل بررسی کرده‌است. برای مطالعه‌ی موردی این پژوهش، تمامی اشعار فارسی محوی که شامل (۷۵) غزل، (۱) مثنوی، (۲۰) قطعه، (۲) تخمیس و (۷) فرد یا تکبیتی می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفته‌است، که در زمینه‌ی ساختواژه به طور کامل، جز مقاله‌ای در مورد حافظ شیرازی، نمونه‌ای دیگر به نظر نرسید، که این جوانب را مورد توجه قرار داده‌باشد و مقاله‌ای نیز در مورد شاهنامه‌ی فردوسی که تنها ساختواژه‌ی کلمات مرکب را بررسی کرده‌است. در حوزه‌ی پژوهش حاضر، اولین بار است که یک مقاله، ویژه‌ی اشعار فارسی یکی از شاعران کوردزبان، به تنهایی، انجام می‌شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- نگاهی گذرا به زندگی، سبک و اندیشه‌ی محوی

محمد بن ملا عثمان بالخه‌ای

- ت.ت. ۱۸۳۰م.
- م.ت. عراق، سلیمانیه.
- ت.ف. ۱۹۰۴م.
- م.ف. عراق، سلیمانیه.
- از محوی یک دیوان اشعار در دسترس است.
- بیشتر اشعار او به دو زبان کردی و فارسی می‌باشد. هرچند اشعار عربی او اندک است، سرایش شعر به زبان عربی نیز، مهارت وی را در این زبان و ادبیات آن نشان می‌دهد.
- اشعار محوی به سبک بازگشت ادبی می‌باشد و اشعار عرفانی او نمای آشکار از رنگ و بوی سبک عراقی را در خود نشان می‌دهد.

۲-۲- صرف (ساختواژه) Morphology

۲-۲-۱- سیستم زبان

سیستم پیچیده‌ی زبان ارتباطی تنگاتنگ با سیستم خلقت دارد و تمام موجودات زنده و غیرزنده از نعمت مهم زبان برخوردارند، که این نیز پیوند زیبا و ظریف خالق و مخلوق را نشان می‌دهد. ارتباط زبان و علوم مختلف با توجه به هدف و عملکرد آن علم و نقش زبان در آن بررسی می‌شود. آنچه در اینجا مدنظر است، ابزار و مواد خامی می‌باشد که این پدیده‌ی عقلانی، موجودیت خود را در قالب آن عرضه دارد؛ همان که از آن به عنوان واحدهای زبان تعبیر می‌شود و در ادامه این سطور ذکر شده است؛ کوچکترین واحد زبان واج است که در هر زبان شماره‌ی آن محدود است و جمله نیز بزرگترین واحد زبان است که نقش پیام‌رسانی دارد.

۲-۳- واحدهای زبان

ساختار هر زبان از چندین واحد تشکیل شده‌است. کوچکترین واحد هر زبان را واج می‌گویند که «بتواند در ترکیب با دیگر واحدهای صوتی آن زبان، کوچکترین لفظ بامعنی را بسازد» (مدرسی، ۱۳۸۷)

۴۱۰) و بزرگترین واحد آن را جمله می‌نامند که ابزار پیام‌رسانی است و برای تفهیم و تفاهم به کار می‌رود. هجا نیز اگرچه جزء واحدهای زبانی به شمار نمی‌رود اما گاهی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نقش آن را در ساختواژه می‌توان دید بعضی از کلمات یک تکواژ هستند و در عین حال دارای یک هجا می‌باشند و بعضی از کلمات چندین هجا را دربرمی‌گیرند و در عین حال یک تکواژ و یک واژه می‌باشند. کلماتی مانند کار، سرد، گرم، یک کلمه، یک تکواژ و یک هجا هستند. در این کلمات و امثال آنها تکواژ همچون واژه جزء معنی دار است. هجا هیچ دخالتی در معنی ندارد و کلماتی که یک تکواژ و چندین هجا هستند، یک تکواژ بودن آنها به کلمه استقلال معنی می‌دهد و تقسیم آنها به هجا معنی درست و دقیق را از کلمه می‌گیرد، کلماتی مانند: هندوانه(چهار هجا و یک تکواژ)، شکوفه(دو هجا و یک تکواژ)، گرما(دو هجا و یک تکواژ) هر کدام از این کلمات به عنوان یک کلمه و یک تکواژ، معنی مشخص و معینی دارند و در حالت تقسیم آن به هجا از معنی درست بی‌بهره می‌شوند، پس تقسیم کلمه به هجا به تعداد مصوت در کلمه

برمی‌گردد و هر واژه به ازای شماره‌ی مصوت هجا دارد. جدول شماره‌ی (۱) واحدهای زبانی را از کوچک به بزرگ نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: واحدهای زبانی



۳-۲-۲- ساختواژه

بررسی ساختمان کلمات در هر زبان بر عهده‌ی علم‌پست که به بنا و ساختواژه توجه دارد؛ در زبان فارسی از این علم به نام تکواژشناسی یا ساختواژه یاد می‌شود و در زبان کوردی و عربی به ترتیب نام «وشه‌سازی» و «صرف» به کار می‌رود و نام انگلیسی آن نیز «مورفولوژی» است. تکواژشناسی «بخشی از دستور زبان است که ساخت‌واژه را بررسی می‌کند؛ واحد بسیط این بررسی واژک است». (کلباسی، ص 19: ۱۳۸۰)

تقسیم‌بندی ساختواژه در زبان فارسی به صورت زیر است:



ساختواژه‌ی تصریفی: در ساختواژه‌ی تصریفی بخشی از کلمه بررسی می‌شود که به طور مستقیم با نقش نحوی آن سروکار دارد. و مجموعه‌ی تغییرات ساختواژه به سبب نقش آن در جمله مورد نظر است. (همان منبع: ۲۰)

گلهای: گل: ت. آزاد/ها: ت. وابسته، وند تصریفی

می‌خواند: می: ت. وابسته، وند تصریفی/خوان: ت. آزاد. د: ت. وابسته، وند تصریفی

در این مقوله‌ی وجیز تنها به دو واحد از واحدهای زبان توجه می‌شود و آن هم واژه و تکواژ است:

- تکواژ: «کوچکترین واحد معنی‌دار هر زبانی است، که از تجزیه‌ی اول حاصل می‌شود» (باقری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰) و کوچکترین واحد زبانی است، که دارای نقش دستوری و معنایی مستقل می‌باشد.

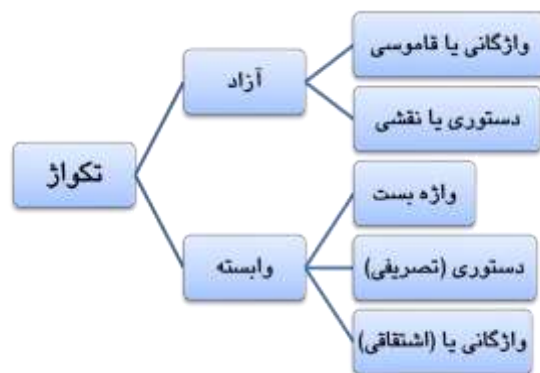
می‌بیند: می+ بین + د. گفتار: گفت + ار

- تکواژ واژگانی یا قاموسی: «به تکواژهایی که ممکن است به تنهایی به صورت واژه‌های ساده به کار روند یا پایه‌ی واژه را در واژه‌های فعل و یا غیرفعل تشکیل دهند، تکواژ واژگانی یا قاموسی گفته می‌شود. مانند: کتاب، درخت، رود، خوان در (می‌خواندم) ساز در (می‌سازد)
- واژه‌های دستوری یا نقشی: به تکواژهایی که به صورت واژه به کار می‌روند، ولی در همان حال فهرست بسته‌ای را تشکیل می‌دهند، یعنی تعداد آنها محدود و مشخص است و به علاوه، معنی، نقش یا رابطه‌ی دستوری خاصی را نشان می‌دهند، واژه‌ی دستوری یا نقشی گفته می‌شود. مانند دانشجویان درس می‌خوانند. (مشکوٰة‌الدینی، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۸)
- تکواژهای وابسته‌ی واژگانی(اشتقاقی): تکواژهایی که به تنهایی به کار نمی‌روند و با پیوستن به تکواژ پایه واژه‌هایی با مقوله‌ی دستوری جدید یا واژه با همان مقوله دستوری ولی معنایی متفاوت می‌سازند، تکواژ اشتقاقی می‌گویند...
- تکواژهای وابسته‌ی دستوری(تصریفی): تکواژهایی که به تنهایی به کار نمی‌روند و با پیوستن به تکواژ پایه مقوله‌ی دستوری پایه را تغییر نمی‌دهند ولی نشان دهنده‌ی ابعاد دستوری خاصی از تکواژ پایه می‌باشند. با همه‌ی پایه‌های واژگانی از یک مقوله دستوری به کار می‌روند.
- واژه‌بست: گروه ویژه‌ای از تکواژهای دستوری که به تنهایی به کار نمی‌روند و همچون دیگر تکواژهای وابسته به تکواژ پیش یا پس از خود می‌چسبند ولی جزئی از ساخت تصریفی یا اشتقاقی واژه به شمار نمی‌آیند. (رنجبر، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۲)

«تکواژ می‌تواند در بافت‌های مختلف زبانی به گونه‌های متفاوتی ظاهر شود، گونه‌های مختلف یک تکواژ را تکواژگونه نامند. تکواژها از نظر به کار رفتن آنها به تنهایی به دو گروه تکواژهای آزاد و

تکواژهای وابسته طبقه‌بندی می‌شوند و نیز از نظر نقش آنها به دو گروه تکواژهای واژگانی و تکواژهای دستوری طبقه‌بندی می‌شوند». (همان منبع: ۲۲) جدول شماره‌ی (۲) انواع مختلف تکواژ را نشان می‌دهد:

جدول شماره‌ی (۲)



• واژه را از چهار جهت می‌توان تعریف کرد:

«1- از نظر آوایی: واژه از این جهت یک ساخت آوایی است که از یک یا چند هجا تشکیل شده، و دارای یک تکیه است و در آغاز و پایان آن یک درنگ وجود دارد.

۲- از نظر معنایی: یک واحد معنایی می‌باشد که می‌تواند یک یا چند مفهوم جدا را دربرگیرد.

۳- از نظر املائی: دارای وحدت املائی است و در نوشته با کلمه قبل و بعد از خود فاصله دارد.

۴- از نظر ساخت صرفی: واژه واحد زبانی است که از یک تکواژ (واحد معنی دار) یا چند تکواژ ساخته شده و در ساختمان واحد بالاتر، یعنی گروه به کار رود». (مدرسی 1387: 419)

ساختواژه‌ی اشتقاقی: «در ساختواژه‌ی اشتقاقی بخشی از کلمه بررسی می‌شود. که به خود واژه، بدون توجه به نقش نحوی آن تعلق دارد؛ ساختی است که از طریق آن خود کلمه به دست می‌آید». (کلباسی، ۱۳۸۰: ۲۰)

مهمان سرا: مهمان: ت. آزاد / سرا: ت. آزاد

نمک‌دان: نمک: ت. آزاد / دان: ت. وابسته، وند اشتقاقی.

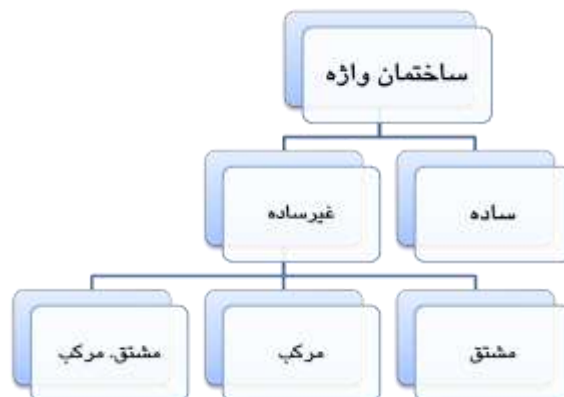
➤ وند تصریفی: نقش نحوی دارند، کاربردشان قیاسی است.

➤ وند اشتقاقی: نقش واژه سازی دارند، کاربردشان سمعی است.

۲-۳ - ساختمان واژه

کلمات از مصالح اصلی جملات به شمار می‌روند که در ساخت جملات نیز نقش پیام رسانی و دریافت پیام را دارند و مهمترین وسیله ارتباط بین مردم و اندیشه‌هایشان هستند، بنابراین توجه به کلمات و انواع ساخت آنها موضوع بسیار مهم بوده و می‌توان مطالعه‌ی ساخت واژگان را از طرفی چون بررسی جام اندیشه‌های بشر دانست و از طرفی دیگر توجه به اندیشه‌ی درون جام و گنجایش ظرف برای مظروفش در نظر گرفت. کلمات از نظر تعداد تکواژ سازنده به دو دسته‌ی ساده و غیرساده تقسیم می‌شود، چنانچه در جدول شماره‌ی (۳) نیز به صورت کامل نشان داده شده‌است:

• جدول شماره ۳: ساختمان واژه



بعد از جدول شماره‌ی (۳) تعریف اصطلاحات مورد نظر آمده‌است و با توجه به تقسیم‌بندی‌های متنوع از کتاب‌های معتبر و مهم که گاه تفاوتی جزئی و در حد تجزیه و به عبارتی دیگر تقسیم اجزاء، ظاهراً دسته‌بندی‌های متفاوت از هم دیده می‌شود در این قسمت از تعریف کلمه‌ی غیر ساده که شامل مشتق، مرکب و مشتق - مرکب می‌شود، صرف نظر به عمل آمده و مستقیماً تعریف انواع آن بیان شده است.

ساده: « اسم، گاهی دارای یک جز است و نمی‌توان آن را به دو یا چند بخش معنی‌دار تقسیم کرد، به عبارت دیگر، یک تکواژ است و از دو یا چند بخش ترکیب نشده است، در این صورت آن را ساده یا بسیط می‌گویند. مانند: کتاب، سر، دل، انسان » (انوری و احمد گیوی، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

❖ مشتق: ساخت کلمات مشتق از ترکیب یک تکواژ آزاد + تکواژ وابسته (وند یا وندها) می‌باشد. باید توجه داشت که در تکواژ وابسته وند اشتقاقی مدنظر است و وند تصریفی و واژه‌بست را در برنمی‌گیرد.

خوراک: خور + اک / شنوا: شنو + ا / گرفتار: گرفت + ار

❖ مرکب: کلمات مرکب از ترکیب دو تکواژ آزاد درست می‌شوند.

کتابخانه: کتاب + خانه / گلخانه: گل + خانه / کتاب فروش: کتاب + فروش

❖ مشتق- مرکب: « ساختمان واژه‌هایی که ویژگی‌های مرکب و مشتق دارند، به این معنی که از دو تکواژ آزاد با یک یا چند وند ساخته می‌شوند، واژه‌های مشتق - مرکب اند، وند ممکن است به صورت پیشوند، بیناوند، پسوند یا مجموعه‌ای از چند وند با دو یا چند پایه‌ی واژگانی ترکیب شود. » (رحیمی، ۱۳۹۱: ۷۴) در ساخت این نوع از کلمات دو تکواژ آزاد به علاوه یک یا چند تکواژ وابسته «وند اشتقاقی» با هم ترکیب می‌شود. تکواژ آزاد + تکواژ آزاد + وند یا وندها

نوجوانی/ جست و جو/ داد و بیداد/ بی‌هم‌زبانی

۴- کلمات مشتق

کلمات مشتق در اشعار فارسی محوی با سه ساخت متفاوت به کار رفته‌است، که صیغه‌ی دو ساخت آن، تکواژ آزاد و یک تکواژ وابسته است و تکواژ وابسته خود را در دو شکل پیشوند و پسوند نشان می‌دهد، که هر کدام سوای از دیگر یادداشت شده، ترتیب الفبایی پیشوندها و پسوندها رعایت گردیده و برای هر مورد یک تا چند نمونه آمده‌است. و صیغه‌ی ساخت سوم از تکواژ آزاد به علاوه دو تکواژ مقید

است، که این‌گونه نیز در دو شکل متفاوت (۱) تکواژ آزاد همراه با دو پسوند و (۲) پیشوند همراه با تکواژ آزاد و پسوند ذکر شده‌است.

۴-۱ - کلماتی که دارای ساخت تکواژ وابسته (وند اشتقاقی، پیشوند) و آزاد هستند و ۴ وند را در برمی‌گیرند، عبارتند از:

• پیشوند+ تکواژ آزاد

- پیشوند «بر»

هیچ است میان و دهن دلبر ما هیچ برپا شده آشوب دو عالم ز دو تا هیچ

(ص 490، غ ۳: ب ۱)

- پیشوند «بی»

یا رب تو مرا با تن پر زخم بمیران بر ژنده بیر، خرقة بی‌پینه حرام است

(ص 483، غ ۳: ب ۴)

• جدول شماره ۴: کلمات مشتق (پیشوند «بی» + تکواژ آزاد)

کلمات	شماره‌ی صفحه	شماره‌ی غزل
بی‌پینه	۴۸۳	۲
بی‌تاب	۴۹۱	۱
بی‌تأثیر	۵۲۸	۳
بیجا	۵۱۲	۱
بیچاره	۵۱۱	۱
بی‌خواب	۴۷۹	۱
بیدل	۴۹۸	۸
بیداد	۴۹۳	۲
بی‌ره	۵۰۲	۲
بی‌عصا	۵۰۲	۲
بیکار	۴۷۳	۱
بی‌گنه	۵۱۱	۱
بی‌مایه	۵۰۸	۱
بی‌نشان	۵۰۹	۱
بی‌نوا	۵۲۶	۳
بی‌ومیض	۵۰۶	۲

- پیشوند «در»

بشد مژگان چشمش باز درهم که این باز قضا دارد چه در چنگ

(ص ۵۱۳، غ ۱: ب ۳)

- پیشوند «نا»

گوهر نایاب مقصودت نمی‌آید به کف تا نگردی «محویا» در موج بحر گریه غرق

(ص ۵۱۲، غ: ۱: ب ۷)

۲-۴- کلماتی که از یک تکواژ آزاد + پسوند (تکواژ وابسته، وند اشتقاقی) درست شده، در ادامه‌ی این سطور یادداشت گردیده و (۲۸) وند را در برمی‌گیرد، که عبارتند از:

- پسوند «آسا»

«محویا» گر خالدی مشرب شدن خواهد دلت خالد آسا شو تو هم دیوانه‌ی صحرانورد

(ص ۴۹۵، غ: ۴: ب ۹)

- پسوند «ار»

ابنای دهر جمله به کردار دهرین بی‌شک یکی از قبیح نزاید مگر قبیح

(ص ۴۹۱، غ: ۱: ب ۲)

- پسوند «ان»

تا آن بت مهپاره ز رخ پرده برانداخت خجالت عرق از چهره‌ی خورشید روان ساخت

(ص ۵۴۰، غ: ۵: ب ۲)

- پسوند «انه»

غلطی به شکر در دهن یار، تو عمری است ای حروف فرومانده به شکرانه برون آ

(ص ۴۷۳، غ: ۱: ب ۶)

- پسوند «انی»

روحانیان اگر گل کوی تو بو کنند کی نشئه‌ی عبیر بهشت آرزو کنند

(ص ۴۹۸، غ: ۹: ب ۱)

- پسوند «-ش»

ای صفای نور دلها پرتو روی شما جان ما در پیچ و تاب از پیچش موی شما

(ص ۴۷۶، غ: ۵: ب ۱)

- پسوند «زار»

نزد دل‌تنگیم پرسد گلم، نز سینه پر داغ نمی‌آید به سیر غنچه‌زار و لاله‌زارم کس

(ص ۵۰۴، غ: ۱: ب ۲)

- پسوند «سار»
چون شیشه پر از می که نگونش بنمایند همواره من از بخت نگون سار بگریم
(ص 520، غ: ۵: ب ۶)
- پسوند «ستان»
هر طرف تا بنگری حیران خود بینی به چشم نرگستانی بود صحرای آهوی شما
(ص 476، غ: ۵: ب ۶)
- پسوند «شن»
بلبل مرا از قفس روزی نمود آزاد چرخ نی ز بوی گل، نه از گلشن نمی یابم سراغ
(ص 509، غ: ۱، ب ۲)
- پسوند «کده»
محو میوهی وحدت جز از آنجا نتوان یافت عشرت کدهی خویش نما، گوشه ی عزلت
(ص 486، غ: ۵: ب ۹)
- پسوند «گاه»
چون به یاد آن مهر و از دلش سر می کشد ماه شد آرامگاه آه محزون شما
(ص ۴۷۵، غ: ۴، ب ۵)
- پسوند «گر»
سبزه نورسته گلزار حسن انکارگر خط سبز یار برزد از گل رخسار سر
(ص 501، غ: ۱: ب ۱)
- پسوند «گری»
رحم بر بنده بیچاره نیاوردی حیف آبروی شرف چاره گری بردی حیف
(ص 511، غ: ۱: ب ۱)
- پسوند «گون»
گل رخسار یوسف، لاله گون از ناز استغنا چه پروا دارد از چشم سفید از حضرت یعقوب
(ص ۴۸۲، غ: ۴: ب ۴)
- پسوند «گه»
گلرخانش سجده گه سازنده ای گل تا ابد هر کجا یابند نقش پای گلگون شما

(ص475، غ: ٤: ب٤)

- پسوند «گین»

غنچه دل خونین و سنبل در هم و اندوهگین

تا به گلشن جلوه گر شد لعل و گیسوی شما

(ص476، غ: ٥: ب٢)

- پسوند «مند»

از انم آرزومند نسیمت ای سحر، امشب

شد از نور خیال جلوه‌اش چشم دلم روشن

(ص480، غ: ٢: ب٣)

- پسوند «ناک»

دانی که روز هجر تو چون است هولناک

چند آیتی بخوانی اوئل ز (هل اتاک)

(ص512، غ: ١: ب١)

- پسوند «و»

دید شیرینت به این شیرینی رخسار و خال

من کنیزم؛ گفت لیلی باد هندوی شما

(ص477، غ: ٥: ب١٠)

- پسوند «وار»

«محو» هوای سیر حقیقت به سر چو داشت

منصوروار من به سر دارت آمدم

(ص517، غ: ١: ب١٣)

- پسوند «واره»

چون شیشه پر از می که نگویش بنمایند

همواره من از بخت نگوئسار بگیریم

(ص520، غ: ٥: ب٦)

- پسوند «وش»

خوبان مه جبین اگرند آفتابوش

ای نورپاش حسن تویی آفتاب محض

(ص506: غ: ١: ب٥)

- پسوند «ه»

ای خنده، ز زیرلب جانانه برون آ

ای نشئه‌فزا باده، ز پیمانانه برون آ

(ص473، غ: ١: ب١)

- پسوند «یت»

زنده نام از موسویت شو که در هر ماه و سال صد چو فرعون عنود آمد به دنیا مرد و رفت
(ص 485، غ: ۴: ب ۴)

- پسوند «ین»

ابر لطف از تیغ قهرش می‌چکد نیش این شکرلبان نوشین بود

(ص 499، غ: ۱: ب ۳)

- پسوند «ینه»

نان تو همان است که امروز به خان است یاد طرب و عشرت دوشینه حرام است

(ص 482، غ: ۲: ب ۷)

- پسوند «قاه»

در جوار میکده شاید به شیخ می‌کشان نام یابم، من بنای خانقاهی می‌کنم

(ص 519، غ: ۴: ب ۸)

۳-۴- کلماتی که از یک تکواژ آزاد به علاوه‌ی دو تکواژ مقید درست شده، در دو ساخت نمایان می‌شوند، عبارتند از:

۱- تکواژ وابسته (وند اشتقاقی، پیشوند) + تکواژ آزاد + تکواژ وابسته (وند اشتقاقی، پسوند)

یک پند بی‌مناسبه و پر مناسبه از من بیر به خدمت اهل محاسبه

(ص ۵۳۸، قط: ۱۸: ب ۱)

۲- تکواژ آزاد + تکواژ وابسته (دو پسوند)

تبسم غنچه‌واری آن دهن را صبحدم بگشود خدا هر روز خواهد کارهای بسته گشاید

(ص ۵۰۰، غ: ۱۱: ب ۵)

جدول شماره ۵ - ساخت کلمات مشتق با پیشوند

شماره	پیشوند	بسامد کاربرد	درصد کاربرد
۱	بر	۲	9/1
۲	بی	۱۶	72/7
۳	در	۱	4/5
۴	نا	۳	13/7
	جمع کل	۲۲	100

جدول شماره‌ی ۶ - ساخت کلمات مشتق با یک پسوند

شماره	پسوند	کلمات مشتق	بسامد کاربرد	درصد کاربرد
۱	آسا	عنکبوت آسا (۵۳۴)	۲	2/73
۲	ار	کردار (۴۹۱)	۳	4/1
۳	ان	روان (۵۴۰)	۴	5/49
۴	انه	شکرانه (۴۷۳)	۴	5/49
۵	انی	روحانی (۴۹۸)	۱	1/36
۶	ش	پیچش (۴۷۶)	۳	4/1
۷	زار	غنچهزار (۵۰۴)	۳	4/1
۸	سار	نگون سار (۵۲۰)	۳	4/1
۹	ستان	مستان (۴۷۶)	۲	2/73
۱۰	شن	گلشن (۵۰۹)	۱	1/36
۱۱	قاه	خانقاه (۵۱۹)	۱	1/36
۱۲	کده	عشرت کده (۴۸۶)	۲	2/73
۱۳	گاه	آرامگاه (۴۷۵)	۱	1/36
۱۴	گر	انکارگر (۵۰۱)	۴	5/49
۱۵	گری	چاره گری (۵۱۱)	۲	2/73
۱۶	گون	لاله گون (۴۸۲)	۳	4/1
۱۷	گه	سجده گه (۴۷۵)	۵	6/98
۱۸	گین	اندوه گین (۴۷۶)	۱	1/36
۱۹	مند	آرزو مند (۴۸۰)	۱	1/36
۲۰	تاک	هولناک (۵۱۲)	۳	4/1
۲۱	و	هندوی (۴۷۷)	۱	1/36
۲۲	وار	منصور وار (۵۱۷)	۸	11
۲۳	واره	همواره (۵۲۰)	۱	1/36
۲۴	وش	آفتاب وش (۵۰۶)	۲	2/73
۲۵	ه غیر ملوظ	خنده (۴۷۳)	۳	4/1
۲۶	یت	موسویت (۴۸۵)	۲	2/73
۲۷	ین	نوشین (۴۸۲)	۴	5/49
۲۸	ینه	دوشینه (۴۸۲)	۳	4/1
جمع کل			۷۳	

جدول شماره ۱-۷ ساخت کلمات مشتق با دو پسوند

• تکواژ آزاد + دو پسوند

شماره	پسوند ۱	پسوند ۲	بسامد کاربرد	درصد کاربرد
۱	ه	ی	۱	٪۵۰
۲	وار	ی	۱	٪۵۰
جمع کل			۲	٪۱۰۰

جدول شماره ۲-۷: تکواژ آزاد+ پیشوند و پسوند

شماره	پیشوند	پسوند	بسامد کاربرد	درصد کاربرد
۱	بی	ه	۱	8/33
۲	بی	ی	۵	41/66
۳	نا	ه	۱	8/33
۴	نا	ی	۴	33/35
۵	نا	یت	۱	8/33
	جمع کل		۱۲	100

۵- کلمات مرکب

کلمات مرکب از دو تکواژ آزاد درست می‌شود که با هم کلمه‌ای تازه با معنی دیگر می‌سازند، این نوع کلمات با تکواژ وابسته، تنها، از نوع وند تصریفی یا واژه‌بست می‌توانند همراهی کنند، چون در صورت افزودن وند اشتقاقی به آنها از حالت مرکب بودن، خارج شده، ساخت مشتق مرکب به خود می‌گیرند، کلمات مرکب که در دیوان محوی بررسی شده، در دو مرحله‌ی ساخت و نتیجه‌ی ساخت مد نظر قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۸: انواع ساخت کلمات مرکب و نتیجه‌ی ساخت

شماره	ساخت کلمات مرکب	نتیجه‌ی ساخت
۱	اسم + اسم	اسم/ صفت
۲	اسم + بن مضارع (صفت فاعلی مرخم)	صفت فاعلی مرکب مرخم
۳	تکرار کلمه (اسم، صفت، عدد)	قید
۴	صفت + اسم	صفت/ قید
۵	اسم + صفت	صفت
۶	اسم + بن ماضی	اسم
۷	بن ماضی + بن ماضی	اسم
۸	(اسم + اسم/ صفت)	شبه جمله
۹	اسم + صفت فاعلی	صفت/ قید

در ادامه این سطور برای هر یک از نه ساخت کاربردی در اشعار فارسی محوی، یک نمونه‌ی شعری ذکر شده و بقیه کاربردها در جدول با ذکر شماره‌ی صفحه، غزل و بیت یادداشت می‌گردد.

- ساخت اول: اسم + اسم: اسم/ صفت

این ساختار از جمله ساخت‌های پرکاربرد کلمات مرکب در دیوان محوی است، ۵۸ مورد از این ساخت در اشعار فارسی محوی یافت شده، یک نمونه‌ی شعری برای آن یادداشت گردیده و ده مورد نیز در جدول شماره‌ی ۹ به نمایش گذاشته می‌شود.

گلرخان از جلوه ناز آتشی افروختند لاله‌رخساران باغ از داغ حسرت سوختند

(ص ۴۹۸، غ: ۸: ب ۱)

دو کلمه‌ی «گلرخان و لاله‌ساران» صفت جانشین اسم هستند و در جایگاه اسم به کار رفته‌اند.

جدول شماره ۹: ساختار کلمات مرکب با ساخت اول

شماره	ساخت کلمه	آدرس
۱	شهادت انتظار	(۷غ، ۵۰۰: ب)
۲	سینه‌چاک	(۳غ، ۵۱۲: ب)
۳	قطره بار	(۴غ، ۴۹۷: ب)
۴	شکر گفتار	(۷غ، ۵۰۲: ب)
۵	مه‌جبین	(۵غ، ۵۰۶: ب)
۶	حیا سیرت	(۵غ، ۵۰۵: ب)
۷	گل گشت	(۸غ، ۴۹۶: ب)
۸	شهسوار	(۶غ، ۴۸۱: ب)
۹	شفاخانه	(۷غ، ۵۱۷: ب)
۱۰	شعله‌بار	(۹غ، ۴۹۸: ب)

- ساخت دوم: اسم + صفت فاعلی مرخم (بن مضارع): صفت فاعلی مرکب مرخم

صفت فاعلی مرکب مرخم این ساختار از پرکاربردترین ساخت‌های کلمات مرکب در اشعار فارسی محوی است که (۶۳) نمونه با این ساخت در بخش فارسی دیوان وی ثبت گردید که به خاطر کثرت نمونه‌ها، یک مورد با ذکر بیت یادداشت شده، نه مورد نیز در جدول شماره‌ی ۱۰ نوشته شده است.

آب حیات‌بخش گلوهاست تیغ تو من هم به سوی رحمت بسیار آمدم

(ص ۵۱۶، ۱غ: ب ۴)

جدول شماره‌ی ۱۰: ساختار کلمات مرکب با ساخت دوم

شماره	ساخت کلمات	آدرس
۱	آتش‌فشان	(۳غ، ۵۲۷: ب)
۲	ثناخوان	(۱غ، ۴۷۸: ب)
۳	جهان‌تاب	(۲قط، ۵۳۷: ب)
۴	سرمه‌کش	(۳غ، ۴۹۸: ب)
۵	شادی‌آفرین	(۱قط، ۵۳۸: ب)
۶	سرفراز	(۳غ، ۴۷۶: ب)
۷	شرفیاب	(۴غ، ۵۲۸: ب)
۸	دلستان	(۳غ، ۵۰۰: ب)
۹	دلربا	(۴غ، ۵۲۷: ب)

- ساخت سوم: تکرار کلمه (اسم / صفت / عدد): صفت / قید

از این ساخت (هفت مورد) در اشعار فارسی محوی یافت شد، که یک مورد با نمونه‌ی بیت و بقیه در جدول شماره ۱۱ آمده است.

چشم سفید بر رخ زرد اشک سرخ بار با جنس رنگ‌رنگ به بازاریت آمدم

(ص ۵۱۶، غ: ۱ ب: ۳)

جدول شماره ۱۱: ساختار کلمات مرکب با ساخت سوم

شماره	ساخت کلمات	آدرس
۱	چاک چاک	(۵۲۶، غ: ۴: ۱)
۲	خوشه‌خوشه	(۵۳۷، قط: ۱۷: ۱)
۳	دو دو	(۵۲۴، غ: ۱: ۶)
۴	رنگ رنگ	(۵۱۶، غ: ۱: ۳)
۵	کم کم	(۴۹۲، غ: ۱: ۵)
۶	گاه گاه	(۵۳۰، غ: ۵: ۶)
۷	یک یک	(۵۲۴، غ: ۱: ۶)

- ساخت چهارم: صفت + اسم: صفت/ قید

از این ساخت نیز (۲۳) مورد در اشعار فارسی محوی یافت شد، که یک نمونه‌ی شعری یادداشت شده و ده مورد نیز در جدول شماره‌ی ۱۲ ثبت گردیده است.

تو ای قاتل کرم کن نیم‌بسمل ساز «محوی» را میان سرکشانش شاپیش خوانند گردن کج

(ص ۴۹۸، غ: ۱۱ ب: ۹)

جدول شماره ۱۲: ساختار کلمات مرکب با ساخت چهارم

شماره	ساخت کلمات	آدرس
۱	خوش‌آهنگ	(۵۱۴، غ: ۱: ۷ ب)
۲	خوش‌لهجه	(۵۰۰، غ: ۱۱: ۱ ب)
۳	زنده‌دل	(۴۸۴، غ: ۳: ۴)
۴	نورسته	(۵۰۱، غ: ۱: ۱ ب)
۵	نوگل	(۴۹۴، غ: ۳: ۹ ب)
۶	زنده‌بخت	(۴۸۵، غ: ۴: ۹ آخر)
۷	سرخ‌پار	(۵۱۶، غ: ۱: ۳)
۸	نازک طبع	(۵۱۹، غ: ۴: ۵)
۹	خوشبو	(۵۲۳، غ: ۱: ۳)
۱۰	نونهال	(۵۰۱، غ: ۱: ۴)

- ساخت پنجم: اسم + صفت: صفت

از این ساخت (۴) مورد در اشعار فارسی محوی به نظر رسید، که یک نمونه از آن یادداشت شده است.

بنفشه با خطش لافی زد از شرمندگی سر را به پیش افکنده آخر جرم کاراند گردن کج

(ص ۴۸۸، غ: ۱: ۵)

- ساخت ششم: اسم + بن ماضی: اسم

از این ساخت، تنها مورد زیر، به نظر رسید.

به پیش آن شه خوبان اگر از ماجرای شوق نویسم سرگذشتی، نامه ام ماند به شهنامه

(ص ۵۲۶، غ: ۴: ۲)

- ساخت هفتم: بن ماضی + بن ماضی: اسم

از این ساختار نیز تنها مورد زیر یافت شد که یادداشت گردیده است.

رنگ بهار را به جز آمدشدی ندید ابر بهاری آمده، شد، بر چمن گریست

(ص ۴۸۴، غ: ۳: ۳)

- ساخت هشتم: شبه جمله

این ساخت که یک نمونه را دربرمی گیرد، صوت است و جزء شبه جمله می باشد که برای بیان عواطف و احساسات به کار می رود. شبه جمله، گاه ساخت آن ساده می باشد. گاه مشتق و گاهی مرکب؛ و در این پژوهش تنها به ساخت اشتقاقی آن توجه شده است.

اسم + اسم : شبه جمله

اسیر عشق ترکی ناخدا ترسم ز زلف و رخ کند هم کفر و هم اسلام را یغما خداحافظ

(ص ۵۰۸، غ: ۱: ۵)

بدیهی است که این عنوان، (ساخت دو اسم با هم) در اولین مورد یادداشت شده، اما، اینجا توجه به شبه جمله است و ساختار شبه جمله به عنوان یک ساخت اشتقاقی مورد نظر است.

- ساخت نهم: اسم + صفت فاعلی: صفت

از این ساخت دو مورد در اشعار فارسی محوی به نظر رسید و هر دو نمونه یادداشت شده است.

بد مستی ما ناله و گریان و فغان است ما پاده کشانیم ز میخانه می محنت

(ص ۴۸۶، غ: ۵: ۵)

رزق را روزی رسان پر میدهد بی مگس هرگز نباشد عنکبوت

(ص ۵۳۴، قط: ۳: ۱)

۶- کلمات مشتق مرکب

معمولاً دو تکواژ آزاد و یک تکواژ وابسته ساختار کلمات مشتق مرکب را درست می‌کند و گاهی شماره‌ی تکواژ، از سه تکواژ نیز فراتر می‌رود، بدیهی است که جنبه‌ی اشتقاقی آن با تکواژ وابسته در ارتباط است و وند اشتقاقی را دربرمی‌گیرد، نه تصریفی، چراکه وندهای اشتقاقی با تغییر معنی کلمه، واژه‌های جدید بر دایره‌ی واژگان می‌افزایند، این وند ممکن است به یکی از سه صورت پیشوند، میان‌وند یا پسوند در ساخت کلمات وارد شود.

در بررسی ساختار کلمات مشتق مرکب از اشعار فارسی محوی، کلماتی با سه تا شش تکواژ بررسی شده، نمونه‌های جالب، زیبا و گوناگونی از ساختار مشتق مرکب به دست آمده‌است که حوزه‌ی واژگان را در دیوان وی گسترده و در عین حال، این گستردگی علاوه بر ساختار، ساحت معنی را نیز دربرگرفته‌است. که در ادامه‌ی این نوشته به ترتیب شماره‌ی تکواژ با ذکر نمونه یادداشت شده است.

۶-۱- کلمات مشتق مرکب با سه تکواژ:

این‌گونه ساخت که از سه تکواژ تشکیل شده‌است، سه زیرساخت را دربرمی‌گیرد و در زیرساخت‌ها نیز تفاوت و گوناگونی دیده می‌شود.

جدول شماره‌ی ۱۳ ساختار مختلف سه تکواژ را در کلمات مشتق مرکب در اشعار فارسی محوی نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۱۳: ساختار کلمات مشتق مرکب با سه تکواژ

شماره	ساختار کلمات ۳ تکواژ	کاربرد گونه‌های مختلف
۱	ت. و. + ت. آ. + ت. آ.	۱- پیشوند + اسم + اسم
۲	ت. آ. + ت. و. + ت. آ.	۱- اسم + میانوند + اسم ۲- اسم + میانوند + بن مضارع ۳- بن ماضی + میانوند + اسم ۴- صفت + میانوند + اسم
۳	ت. آ. + ت. آ. + ت. و.	۱- بن ماضی + بن ماضی + پسوند مصدری ۲- اسم + بن مضارع + پسوند مصدری ۳- اسم + بن ماضی + پسوند مصدری (ی) ۴- اسم/صفت + بن ماضی/بن مضارع + پسوند ۵- اسم/صفت + اسم یا صفت + پسوند ۶- اسم + بن ماضی + پسوند مصدری (ن) ۷- اسم + اسم + پسوند ۸- قید + صفت + پسوند

۱- تکواژ وابسته + تکواژ آزاد + تکواژ آزاد.

پیشوند + اسم + اسم

اسیر عشق ترکی ناخدا ترسم ز زلف و رخ کند هم کفر و هم اسلام را یغما خدا حافظ

(ص ۵۰۸، غاظ: ب ۵)

۲- تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد.

• اسم+ میانوند+ اسم: اسم/ صفت/ قید

برای این ساخت ۱۲ نمونه یافت شد که یک مورد از آن با ذکر بیت، یادداشت گردیده و بقیه‌ی موارد در جدول شماره‌ی ۱۴ همراه با آدرس آمده‌است.

نفس در سینه‌ها، جانها ز تن پا در رکابستند چون مه سیری به خاطر دارد او عزم سفر امشب

(ص ۴۸۱، غ: ۱ب: ۸)

جدول شماره‌ی ۱۴: اسم+ میانوند+ اسم: اسم/ صفت/ قید

شماره	کلمات	آدرس
۱	بناگوش	(۵۰۸، ۱ط: ۷)
۲	لبالب	(۴۸۷، ۱ج: ۳)
۳	جان بر کف	(۵۰۰، ۱۱: ۷)
۴	پا به پا	(۵۳۰، ۵: ۷)
۵	رو به رو	(۴۹۸، ۹: ۲)
۶	سر به سر	(۵۱۵، ۲غ: ۹)
۷	پر و بال	(۵۳۰، ۵غ: ۴)
۸	خراج و باج	(۴۸۷، ۱ج: ۲)
۹	قیل و قال	(۵۴۱، فرد، ۶)
۱۰	پا در رکاب	(۴۸۰، ۲غ: ۸)

• بن ماضی+ میانوند+ اسم: صفت

از این مورد دو نمونه یافت شد (آشفته‌حال، ۴۹۴: ۴) و یک مورد از آن با نمونه‌ی شعری یادداشت شده‌است.

ای سوخته‌جگر پی دنیا تو آب محض پنداشتیش، دیدیش آخر سراب محض

(ص ۵۰۶، اض: ۱ب)

• صفت+ میانوند+ اسم: صفت

از این ساخت نیز یک مورد به نظر رسید که با نمونه‌ی شعری آمده است.

نگار امشب سوی خونین‌دلان داغدار آمد تو گویی تازه گلزاری به سیر لاله زار آمد

(ص ۴۹۷، غ: ۷ب: ۱)

خونین‌دلان، صفت جانشین اسم است و مضاف‌الیه واقع شده است.

• صفت+ میانوند+ بن مضارع: صفت فاعلی مرکب مرخم

این ساخت نیز دو نمونه‌ی «تیرگی‌خیز» و «تنهایی‌گزین»، (ص ۵۱۰، غ: ۱ب: ۶) را دربر گرفته که یک مورد از آن یادداشت شده‌است.

شکست طرز به جا مانده تیرگی خیز است چو باد گرد ز جا بر به خاکستر میچ

(ص ۴۸۹، غ ۲: ۸)

• اسم + میانوند + بن مضارع: صفت فاعلی مرکب مرخم

این ساخت نیز دو نمونه‌ی و «خدا بردار» و «بذله خوان» (۵۰۸، اظ: ۱) به نظر رسید، که نمونه‌ی مورد اول یادداشت شده است.

خدا بردار نبود این همه جور ای بهشتی رو دمی بردار ز اهل دوزخ هجرت عذاب از رخ

(ص ۴۹۲، غ ۲: ۲)

۳- تکواژ آزاد + تکواژ آزاد + تکواژ وابسته

• بن ماضی + بن ماضی + پسوند مصدری (ی)

از این الگو فقط یک نمونه به نظر رسید که یادداشت شده است.

سرشک از چشم امشب جوش آمد آمدی دارد به قصد دل‌دهی دلدار می آید مگر امشب

(ص ۴۸۰، غ ۲: ۷)

• اسم + بن مضارع + پسوند مصدری (ی)

برای این الگو نیز یک نمونه با بیت نوشته شده، موارد دیگری نیز در جدول آمده است.

خانه‌ی عاشق نوازیها، پیش آباد باد یار داد شوخی و بی‌رحمی و بیداد داد

(ص ۴۹۳، غ ۲: ۱)

• جدول شماره ۱۵: ساختار کلمات مشتق مرکب: اسم + بن مضارع + پسوند مصدری (ی)

شماره	کلمات	آدرس
۱	باده‌کشی	۳: ۲، ۴۸۳
۲	بت‌پرستی	۶: ۱، ۵۲۴
۳	بلاجویی	۵: ۲، ۴۸۹
۴	بیهوده‌گویی	۹: ۴، ۴۸۲
۵	پیش‌بینی	۹: ۱، ۵۲۱
۶	حق‌گویی	۵: ۲، ۴۸۹
۷	دل‌دهی	۷: ۲، ۴۸۰
۸	دمسازی	۳: ۴، ۵۲۹
۹	عذر‌آوری	۷: ۴، ۴۷۶
۱۰	هم‌نشینی	۲: ۶، ۴۹۶
۱۱	نشئه‌بخشی	۳: ۳، ۴۹۴

• اسم + بن ماضی + پسوند مصدری (ی)

از این الگو نیز چندین نمونه به نظر رسید که یک مورد از آن با ذکر بیت آمده، و بقیه‌ی موارد در جدول شماره‌ی ۱۶ یادداشت شده است.

محبت یک قلم باشد نیاز و محنت دردی نباشد مرد میدان بلا هر ناز پروردی

(ص ۵۲۸، غ ۳: ب ۱)

• جدول شماره‌ی ۱۶: ساختار کلمات مشتق مرکب: اسم+ بن ماضی+ پسوند مصدری(ی)

شماره	کلمات	آدرس
۱	ره آوردی	غ ۳: ۵۲۹
۲	ترکتازی	غ ۳: ۵۲۲
۳	خشمگیری	غ ۱: ۵۱۱
۴	غمخواری	غ ۳: ۴۸۶
۵	دلستانیاها	غ ۲: ۴۷۸

• تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته

اسم/ صفت+ بن ماضی/ بن مضارع+ پسوند

از این الگو نیز، ده مورد در اشعار فارسی محوی به دست آمد که یک نمونه با ذکر بیت،

نوشته شده، و بقیه‌ی موارد در جدول شماره‌ی ۱۷ یادداشت شده است.

جدول شماره‌ی ۱۷: ساختار کلمات مشتق مرکب: اسم/ صفت+ بن ماضی/ بن مضارع+ پسوند

شماره	کلمات	آدرس
۱	سودازده	غ ۴: ۴۹۰
۲	سرگشته	غ ۲: ۴۸۰
۳	دل سوخته	غ ۱: ۵۰۳
۴	دل گداخته	غ ۲: ۵۰۷
۵	دل آسوده	غ ۲: ۴۸۹
۶	سرافکنده	غ ۱: ۵۲۴
۷	شهزاده	قط ۱۵: ۱
۸	غضب‌آلوده	غ ۱: ۴۸۷
۹	میخواره	غ ۱۰: ۵۱۶

• اسم/ صفت+ اسم/ صفت+ پسوند (مصدری/ نسبت/ مکان): اسم/ صفت

از این الگو نیز در اشعار فارسی محوی (۱۵) ساخت به دست آمده، که دو مورد از آن با ذکر بیت

آمده، و ده مورد در جدول شماره‌ی ۱۸ یادداشت شده است.

یک پند بی‌مناسبه و پرمناسبه از من ببر به خدمت اهل محاسبه

(ص ۵۳۸، قط ۱۸: ب ۱)

از دل گم‌گشته از من، من نمی‌یابم سراغ چون سیه‌بختم؛ من از مخزن نمی‌یابم سراغ
(ص ۵۰۹، غ: ۱ب)

جدول شماره ۱۸: ساختار کلمات مشتق مرکب: اسم/ صفت+ اسم/ صفت+ پسوند

شماره	کلمات	آدرس
۱	مددکاری	۲: ۴، ۵۲۹
۲	گردون‌شهی	۳: ۵، ۴۸۶
۳	خورشیدسیمایی	۲: ۳، ۴۸۱
۴	دلارامی	۶: ۲، ۴۸۰
۵	صاحب اقبالی	۳: ۵، ۵۳۰
۶	خوشدلی	۶: ۱ظ، ۵۰۸
۷	سرخوشی	۳: ۳، ۵۱۸
۸	تازه گلزار	۱: ۷د، ۴۹۷
۹	خونابه	۶: ۴چ، ۴۹۱
۱۰	دلخونین	۲: ۵الف، ۴۷۶

• اسم+ بن ماضی+ پسوند مصدری (ن): اسم

از این الگو نیز پنج ساخت به دست آمده، که یک مورد از آن با ذکر بیت آمده است و بقیه‌ی موارد نیز در جدول شماره‌ی ۱۹ یادداشت شده‌است.

وعد فرداکشتن ای قاتل از فردها گذشت انتظار کشتنم کشت؛ آخر این فردا بیا

(ص ۴۷۸، غ: ۸ب: ۵)

جدول شماره ۱۹: ساختار کلمات مشتق مرکب: اسم+ بن ماضی+ پسوند مصدری (ن)

شماره	کلمات	آدرس
۱	جان‌باختن	۶: ۱ک، ۵۱۳
۲	جان‌کندن	۸: ۱ز، ۵۰۳
۳	جان‌گرفتن	۶: ۱ک، ۵۱۳
۴	بندگی‌کردن	۱: ۴قط، ۵۳۴

- تکواژ آزاد + تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته

• قید+ صفت+ پسوند: صفت

از این الگو ساخت زیر به نظر رسید که نمونه‌ی بیت یادداشت شده است.

یک پند بی‌مناسبه و پرمناسبه از من ببر به خدمت اهل محاسبه

(ص ۵۳۸، قط ۱۸: ۱ب)

۶-۲- کلمات مشتق مرکب با چهار تکواژ

این نوع از ساخت مشتق مرکب که ساختار کلمه با چهار تکواژ را در بر می‌گیرد دارای شش الگو می‌باشد و نه زیرساخت را شامل می‌شود که در جدول شماره ۲۰ آمده است.

جدول شماره ۲۰: ساختار کلمات مشتق مرکب با چهار تکواژ

شماره	ساختار کلمات چهار تکواژ	کاربرد گونه‌های مختلف
۱	ت. آ. ت. و. ت. آ. ت. و.	۱- اسم + پیشوند + بن ماضی + پسوند مصدری (ن) ۲- بن مضارع + پسوند + بن مضارع + پسوند مصدری (ی) ۳- اسم + میانوند + اسم + پسوند
۲	ت. آ. ت. آ. ت. و. ت. و.	۱- اسم + بن ماضی + پسوند + پسوند
۳	ت. آ. ت. آ. ت. آ. ت. و.	۱- اسم + اسم + بن ماضی / بن مضارع + پسوند مصدری (ن) / (ی) ۲- حرف اضافه + اسم + بن ماضی + پسوند نسبی / مصدری
۴	ت. و. ت. آ. ت. و. ت. آ.	۱- پیشوند + اسم + میانوند + اسم
۵	ت. آ. ت. آ. ت. و. ت. آ.	۱- صفت + اسم + میانوند + اسم
۶	ت. و. ت. آ. ت. آ. ت. و.	۱- حرف اضافه + اسم + بن ماضی + پسوند

۶-۲-۱- تکواژ آزاد + تکواژ وابسته + تکواژ آزاد + تکواژ وابسته

• اسم + پیشوند + بن ماضی + پسوند مصدری «ن»

از این الگو، سه نمونه‌ی «چشم برداشتن» (ص 530، غ ۵: ب ۷)، «لب وانمودن» (ص ۴۷۷، ۶ الف: ب ۲) و «لب واکردن» (ص 481، غ ۳: ب ۳) به نظر رسید که نمونه‌ی دوم یادداشت شده است.

بیا بگشا به یک لب وانمودن عقده‌های دل بیا ای زیر لب خندیدن تو حل مشکلها

(ص ۴۷۷، غ ۶: ب ۱)

• بن مضارع + پسوند + بن مضارع + پسوند مصدری (ی)

از این الگو نمونه‌ی زیر به دست آمد، که یادداشت شده است.

گشتم به یاد موی میانت ز ناله نال گشته زبان ناله‌کشی از ملال لال

(ب ۵۱، غ ۱: ب ۱)

• اسم + میانوند + اسم + پسوند

از این الگو، نمونه‌ی زیر به نظر رسید که ذکر شده است.

جگر خط دم تیغش پیرایه دل را داغ ز حسنش کم ندانی، عشق هم دارد خط و خالی

(ص ۵۳۰، غ ۵: ب ۲)

۶-۲-۲ - تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ وابسته

• اسم+ بن ماضی+ پسوند+ پسوند

از این الگو نمونه زیر به دست آمد که یادداشت شده است.

ماتم زدهوش می‌پرد و می‌چکد امشب ز آهم همه نومیدی وز اشکم همه حسرت

(ص ۴۸۶، غ ۵: ب ۷)

۶-۲-۳ - تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته

• اسم+ اسم+ بن ماضی/ بن مضارع+ پسوند مصدری «ن»/ «ی»

از این الگو چهار نمونه‌ی «جگرخون گشتن» (ص ۴۷۷، غ ۶ الف: ب ۴) و «خویشتن‌کشتن»، «زیر لب خندیدن» (ص ۴۹۴، غ ۳: ب ۸) و «آبروریزی» (ص ۵۰۵، غ ۱: ب ۴) به نظر رسید که نمونه‌ی سوم با ذکر بیت آمده است.

نیم واکرده دهن در صبح دیدم غنچه را زیر لب خندیدن آن نوگلم آمد به یاد

(ص ۴۹۴، غ ۳: ب ۸)

• حرف اضافه+ اسم+ بن ماضی+ پسوند نسبی/ مصدری

از این ساخت دو نمونه‌ی «از خود گذشتن» (ص ۴۷۷، غ ۶ الف: ب ۴) و «بر کف استاده» (ص ۵۲۷، غ ۲: ب ۶) به نظر رسید که نمونه دوم یادداشت گردیده است.

عالمی بهر نثار خاک پایت جان و دل بر کف استاده، تو خواهان نثار کیستی؟

(ص ۵۲۷، غ ۲: ب ۶)

۶-۲-۴ - تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد

• پیشوند+ اسم+ میانوند+ اسم

از این الگو نیز دو نمونه‌ی «بی‌حدومر» (ص ۴۹۳، غ ۱: ب ۴) و «بی‌نام و نشان» (ص ۵۱۴، غ ۲: ب ۸) به نظر رسید که نمونه دوم یادداشت شده است.

بحمدالله که بی‌نام و نشانم که بار نام بردارد مگر سنگ (ص ۵۱۴، غ ۲: ب ۸)

۶-۲-۵ - تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد

• صفت+ اسم+ میانوند+ اسم

از این الگو نیز تنها نمونه زیر به نظر آمد و یادداشت شده است.

در جنت سرای لطف بر عالم چو بگشادی به «محوی» تحفه خوش رنگ و بوسیبی فرستادی

(ص 538: قط ۲۰: ب ۱)

۶-۲-۶- تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته

• حرف اضافه+ اسم+ بن ماضی+ پسوند

از این الگوی نیز ساخت زیر به دست آمد که نوشته شده است.

به سوی در قفا افتادگانت یک نگه نگر به چشم مست خود شور قیامت را تماشا کن

(ص ۵۲۱، غ ۱: ب ۲)

۶-۳- کلمات مشتق مرکب با پنج تکواژ

کلمات مشتق مرکبی هستند که شماره‌ی تکواژ آن به پنج عدد می‌رسد، و در بررسی اشعار فارسی محوی، این پنج تکواژ در سه ساخت گوناگون به کار رفته است و جدول شماره ۲۱ این ساخت‌ها را نشان می‌دهد. و در ادامه نمونه‌ی هر سه ساخت با ذکر آدرس، پشت سر هم آمده است.

جدول شماره ۲۱: ساختار کلمات مشتق مرکب با پنج تکواژ

شماره	ساختار کلمات پنج تکواژ
۱	ت. آ. + ت. و. + ت. آ. + ت. و. + ت. آ.
۲	ت. آ. + ت. و. + ت. آ. + ت. آ. + ت. و.
۳	ت. آ. + ت. آ. + ت. آ. + ت. آ. + ت. و.

۱- تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد

• صفت شمارشی+ پیشوند+ بن ماضی+ پسوند+ اسم

۲- تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته

• اسم+ میانوند/ پسوند+ اسم+ بن ماضی+ پسوند مصدری «ن»

۳- تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته

• اسم+ حرف اضافه+ اسم+ بن ماضی+ پسوند مصدری «ن»

نمونه ساخت اول:

نیم وا کرده دهن در صبح دیدم غنچه را زیر لب خندیدن آن نوگلم آمد به یاد

(ص ۴۹۴، غ ۳: ب ۸)

نمونه ساخت دوم:

«محویا» گر خالدی مشرب شدن خواهد دلت خالدآسا شو تو هم دیوانه صحرانورد

(ص 495، غ ۴: د: ب ۹)

نمونه ساخت سوم:

بی‌حجاب، کفش تا بوسید زیر پای تو دعوی سر بر فلک سودن بر سر دارد زمین

(ص ۵۲۲، غ ۳: ن: ب ۵)

لازم به ذکر است با وجود نمونه‌های بیشتر برای بعضی از ساخت‌ها، فقط به آوردن یک نمونه اکتفا شده است.

۶-۴- کلمات مشتق مرکب با شش تکواژ

کلمات مشتق مرکبی که در ساخت آنها شش تکواژ به کار رفته است، در بررسی اشعار فارسی محوی یک نمونه از این الگو به نظر رسید که ساختار و نمونه‌ی آن با ذکر بیت و آدرس یادداشت شده است.

تکواژ وابسته+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته+ تکواژ آزاد+ تکواژ وابسته

• پیشوند+ حرف اضافه+ اسم+ پسوند مصدری + بن ماضی +پسوند مصدری «ن»

دیده از بس نابجایی دیدنم آمد به درد نقش زشت از آینه، فرش صفا را در نورد

(ص 495، غ ۴: د: ب ۱)

۷- یافته‌ها

- یافته‌ها نشان داد که شاعر برای ارائه‌ی معنی علاوه بر استفاده از کلمات و ترکیبات معمول و آشنا و کاربردی، کلماتی را نیز خود ابداع نموده‌است و این را به طور معمول در شعر یا نوشته‌ی هر شاعر و نویسنده‌ی ماهر و سخندان می‌توان یافت و البته این ساحت اندیشه و تراوش فکر است که کلمات را به کار می‌گیرد و به عبارت دیگر، کلمات و اصطلاحات برای القای معانی درست می‌شوند.
- در اشعار فارسی، محوی اصطلاحات و تعبیراتی را به کار می‌برد که می‌توان گفت در دفتر او و به نام او این اصطلاحات رقم خورده است، اگرچه ساده یا معمولی به نظر می‌رسد، اما فهم آن توشه‌ای علمی و اندوخته‌ای مازاد می‌طلبد.
- کلمات مشتق با ساختار دو تکواژ و سه تکواژ که در جدول شماره ۲۲ آمده‌است، نقشی برجسته در تولید واژگان داشته، کاربرد وندهای مختلف، حکایت از گستردگی دایره‌ی واژگان زبان فارسی دارد و در همان حال پرده از توانمندی و کوشش شاعر در امر ساختواژه برمی‌دارد، اگرچه تمامی واژگان، بدیع نیستند، اما عمق اندیشه با ساخت کلمه در ارتباط است و از طرفی دیگر استفاده از تصویرآفرینی و هنرهای شاعرانه، کلمات ساده فهم را وزن و معیاری ارزنده تر می‌بخشد و از حالت کلیشه‌ای بیرون می‌آورد.

جدول شماره (۲۲): ساختار کلمات مشتق

شماره	شماره‌ی تکواژ	بسامد الگو	بسامد کاربرد	درصد کاربرد ساختار
-------	---------------	------------	--------------	--------------------

۱	دو تکواژ	۲	۲ ساخت	۵۰٪
۲	سه تکواژ	۲	۲ ساخت	۵۰٪
۳	جمع	۴	۴	۱۰۰٪

نمودار شماره (۱): ساختار کلمات مشتق



در جدول شماره‌ی ۲۲ ساختار کلی کلمات مشتق نشان داده شده است و برای روشن شدن دقیق‌تر در شیوه‌ی ساخت در جدول‌های شماره‌ی (۲۳ و ۲۴) نمود وندهای اشتقاقی ذکر شده است.

جدول شماره (۲۳): ساخت کلمات مشتق دو تکواژ

شماره	الگوی ساختواژه	وند اشتقاقی	بسامد کاربرد	درصد کاربرد ساختار
۱	پیشوند + تکواژ آزاد	پیشوند	۴	۱۲/۵
۲	تکواژ آزاد + پسوند	پسوند	۲۸	۸۷/۵
۳	جمع	-	۳۲	۱۰۰٪

نمودار شماره (۲): ساخت کلمات مشتق دو تکواژ



جدول شماره‌ی (۲۴) ساخت کلمات مشتق سه تکواژ

شماره	الگوی ساختواژه	وند اشتقاقی	بسامد کاربرد	درصد کاربرد ساختار
۱	تکواژ آزاد + دو پسوند	دو پسوند	۲	۲۸/۶

۷۱/۴	۵	یک پیشوند + یک پسوند	پیشوند + تکواژ آزاد + پسوند	۲
%۱۰۰	۷	-	جمع	۳

نمودار شماره‌ی (۳) ساخت کلمات مشتق سه تکواژ



- در ساخت کلمات مشتق، وند اشتقاقی (پسوند) نسبت به پیشوند کاربرد بیشتری دارد و با وجود استفاده از پسوندهای معمول و متداول در زبان فارسی، رابطه‌ی همنشینی کلمات و بازتاب هنرهای شاعرانه و بیان رسا، بعضی از کلمات را از حالت معمولی بیرون کشیده، توجه‌ی خواننده‌ی خود را به معانی و هنرآفرینی که از حوزه‌ی کلمه‌ی مورد نظر به دست می‌آید، جلب می‌کند. نمونه‌هایی چون نرگستان، خالدآسا، عشرت‌کده، نگون‌سار و موسویت تنها واژه‌هایی برای القاء و ارائه‌ی معنی حقیقی در زبان نیستند، بلکه این کلمات، دستاورد بلاغت، فنون ادبی و تصوف و عرفان می‌باشند و مصداق آنها در شعر شاعر، گستردگی اختیارات شاعری و بلکه توانمندی وی را در فن واژه‌سازی برای ایراد معانی می‌رساند.
- کلمات مرکب به تنهایی، یک الگوی متشکل از دو تکواژ آزاد است و نه ساخت را دربرمی‌گیرد، الگوی اصلی و بنیادین ساخت در کلمات مرکب، تنها دو تکواژ آزاد است، اما تنوع و گونه‌گونی کاربرد، ساخت کلمات مرکب را متعدد کرده است.

در بررسی اشعار فارسی محوی، نمونه‌های زیادی از هر کدام از ساخت‌ها به نظر رسید، که به خاطر کثرت مصداق از یک طرف و گنجایش اندک این وجیزه نیز از طرف دیگر به یادداشت یک نمونه‌ی شعری و نوشتن چندین مورد از واژگان مورد نظر بسنده شده است.

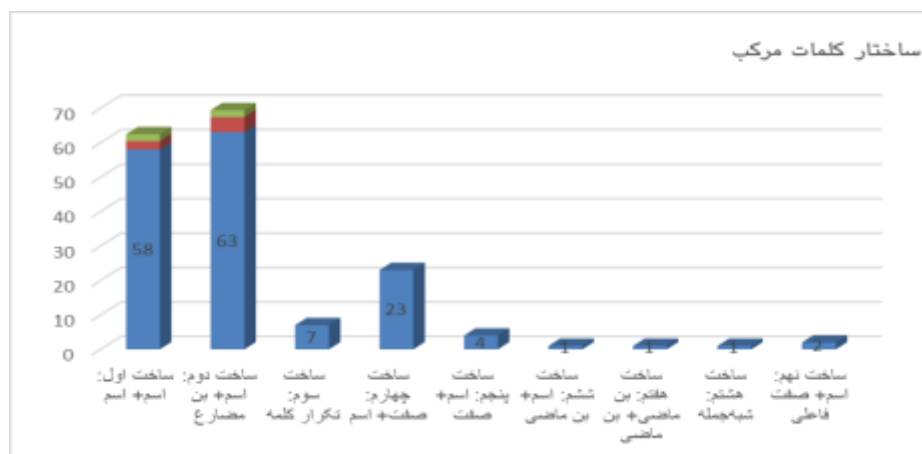
- کلمات دل، خوش، نو، دست بالایی در ترکیب و واژه‌سازی دارد. و از ترکیب با کلمات دیگر بر گستره و دامن دایره‌ی واژگان زبان فارسی می‌افزاید.

جدول شماره‌ی (۲۵): ساخت کلمات مرکب

شماره	ساخت کلمات مرکب	بسامد کاربرد	درصد کاربرد ساختار
-------	-----------------	--------------	--------------------

۳۶،۲۵	۵۸	اسم + اسم	۱
۳۹،۳۷	۶۳	اسم + بن مضارع (صفت فاعلی مرخم)	۲
۴،۳۷	۷	تکرار کلمه (اسم، صفت، عدد)	۳
۱۴،۳۷	۲۳	صفت + اسم	۴
۲،۵	۴	اسم + صفت	۵
۰،۶۳	۱	اسم + بن ماضی	۶
۰،۶۳	۱	بن ماضی + بن ماضی	۷
۰،۶۳	۱	شبه جمله (اسم + اسم / صفت)	۸
۱،۲۵	۲	اسم + صفت فاعلی	۹
۱۰۰	۱۶۰	جمع کل	

نمودار شماری (4) ساخت کلمات مرکب



- کلمات مشتق مرکب با سیزده الگو و بیست و شش ساخت، سهمی بسزا در ساختواژه را به خود اختصاص داده است که از این میان کلمات سه تکواژه با سه الگو، سیزده ساخت را دربر گرفته‌اند و اگر چه کلمات چهار تکواژه، با شش الگو، بر کلمات سه تکواژه پیشی گرفته‌اند. اما با نه ساخت، از بسامد و درصد کمتری برخوردارند. جدول شماره (۲۵) ساخت کلمات مشتق مرکب را با بسامد و درصد کاربرد نشان می‌دهد و محتوای جدول را بر روی نمودار شماره (۴) نیز می‌توان دید.
- واژگان «دل»، «جان» و «سر» در ساختواژه‌ی زبان محوی، جایگاه خاصی دارند و به ترتیب یادداشت شده، کاربردی ویژه را از آن خود کرده‌اند، که ارتباط و تقارب فکر و سخن شاعر و انسجام کلام وی را بارز می‌نماید.
- کلماتی نظیر «دل‌ستانی»، «دل‌دهی»، «دل‌سوخته»، «دل‌گرفته» و «دل‌آسوده» بازتاب دل را در حوزه‌ی عشق و عرفان به نمایش می‌گذارد.
- واژه‌ی «جان» نیز در ترکیب با کلماتی مختلف، واژه‌هایی چون «جان گرفتن»، «جان‌کندن» و «جان‌باختن» را با زمینه‌هایی چون زندگی با رنج و در عین حال عشق و امید و سرانجام مرگ و نیستی، در جریان شعر خود ارائه می‌نماید.

جدول شماره (۲۶): ساختار کلمات مشتق - مرکب

شماره	شماره‌ی تکواژ	بسامد الگو	بسامد کاربرد	درصد کاربرد ساختار
۱	سه تکواژ	۳ الگو	۱۳ ساخت	۵۰
۲	چهار تکواژ	۶ الگو	۹ ساخت	۳۴/۶۰
۳	پنج تکواژ	۳ الگو	۳ ساخت	۱۱/۵۵
۴	شش تکواژ	۱ الگو	۱ ساخت	۳/۸۵
۵	جمع	۱۳	۲۶	٪۱۰۰

نمودار شماره‌ی (۵): کاربرد کلمات مشتق- مرکب (غیر فعلی) در اشعار فارسی محوی.



۸- نتیجه

با تکیه و مورد توجه دادن یافته‌ها در مورد ساختارها در اشعار فارسی محوی می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

اشتیاق واژگان و کاربرد آنها تأثیری عظیم بر رشد، پیشرفت، پویایی و پایایی هر زبانی دارد و دایره‌ی واژگان زبان را هرچه بیشتر گسترده می‌سازد، القاء هر معنی و مفهومی، کالبدی از واژگان شایسته و درخور را می‌طلبد، هم‌چنانکه هر کلمه‌ای نیز می‌تواند یک یا چندین معنی را دربرداشته‌باشد.

محوی شاعر روزگار و جامعه‌ی خویش است، اشعار وی آینه‌ی تمام‌نمای اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی عصر خود می‌باشد، این واژگان و تعبیرات هستند که چون قالب و پیمانه‌ی مالامال از معنی و یا مقصود مورد نظر، پیام‌گوینده را به خواننده و مخاطب می‌رسانند.

تصوف و عرفان، رنگی برجسته و خوشایند به کلام محوی بخشیده است، و ارائه‌ی این معانی بازتاب ساختارهای اشتقاقی را در اشعار فارسی وی به روشنی نشان می‌دهد.

خوش منشی و تسلیم و رضایت عاشقانه را از لابه‌لای زنجیره‌ی گفتار وی به خوبی می‌توان درک کرد و فهمید، به عبارت دیگر ساختارها در خدمت خلق و القای معانی والا درآمده‌است.

مثبت‌اندیشی و جلوه‌ی شکرگزاری، در غزلیات محوی بازتاب ژرف و مشخصی دارد، رشته‌ای از شادمانی که واژه‌های منفی‌نمای وی را نیز قرین شکر و شادی می‌نماید و نمونه‌ی زیبا و روشن این مضامین را در غزل «الا یا ایها الساقی...» می‌توان به صراحت مشاهده کرد، چرا که شعر را از حافظ تضمین کرده، اما با چاشنی و گرمی عاشقانه‌ی مولوی سروده‌است.

محوی برای القای معانی ترکیب‌آفرینی می‌کند، گاه ترکیبات ساده و دلنشین وی، مخاطب را به سوی مطالعه‌ی دیگری از مفهوم و اصطلاحات می‌کشاند، چرا که این اصطلاح خاص، ویژه‌ی

مفهومی خاص درست شده است، اصطلاحاتی چون «خالدآسا» و «خالدی مشرب شدن» آشنایی با طریقت و تصوف محوی و دوستی و ارادت وی به مولانا شیخ خالد نقشبندی و زندگینامه‌ی وی را می‌طلبد، چرا که این دو اصطلاح ترکیبی مالامال از مفهوم عرفانی هستند و بلکه تابلویی از عرفان است و چشم انداز طریقت مولانا خالد نقشبندی را در خود نشان می‌دهد.

شاعر برای القای معانی تصویرآفرینی می‌کند و این ویژگی تنها به کاربرد تشبیه و استعاره و تصویرهای هنری در شعر او ختم نمی‌شود، بلکه واقعیت با زبانی ادبی و در قالب اصطلاحی ویژه و مخیل در کلام او نمود پیدا می‌کند. ترکیب از «بس نابجایی دیدن» با سیاق جمله ارتباط عمیق، جالب، طبیعی و شایسته‌ای دارد، محوی چشم دردش را وابسته به تماشای موارد ناشایسته می‌داند.

اصطلاح «فردا کشتن» را در لابه‌لای جمله و در ارتباط با کلمات دیگر می‌توان فهمید که از تکواژهایی ساده و مفهومی، تعبیر عاشقانه و دلنشین و لطیف ابداع نموده است.

۹- فهرست منابع و مأخذ

- مصحف المدينة النبوية، للنشر الحاسوبی، الاصدار 1 و 2

منابع فارسی

- انوری، حسن، احمدی گیوی، دستور زبان فارسی ۲، ویرایش چهارم (۱۳۹۲) چاپ سوم، انتشارات فاطمی.
- باطنی، محمدرضا، چهار گفتار درباره زبان (۱۳۹۳) چاپ ششم، نشر آگه، تهران.
- رحیمی، محمد، توصیف ساختواژه‌ی گویش سورانی زبان کوردی (۱۳۹۱) چاپ اول، انتشارات شیخی، سنندج.
- رنجبر، وحید، ساخت زبان فارسی امروز بر پایه نظریه‌ی گشتار زیایی (۱۳۹۴) چاپ اول، انتشارات ققنوس.
- کلباسی، ایران، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز (۱۳۸۰) چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- مدرسی، فاطمه، از واج تا جمله: فرهنگ زبان شناسی- دستور (۱۳۷۸) چاپ دوم، انتشارات چاپار، تهران.
- مشکوه الدینی، مهدی، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری (۱۳۸۱) چاپ دوم، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد.

منابع کوردی

- د. ابراهیم شوان، سوفیگه‌ری (۲۰۱۴) چاپی دووم، هه‌ولیر.
- د.ئهمم‌دی مه‌لا، مه حوی له نیوان زاهرییه‌ت و باتینییه‌ت و سه‌رچاوه‌کانی عیشق و وینه‌ی مه‌عشوق‌دا (۲۰۱۳) چاپی دووم، ئه‌ندیشه، سلیمانی.
- ملا عبدالکریم مدرس، محمد ملا کریم (۱۳۸۱) دیوانی محوی، چاپ سوم، انتشارات کردستان- سنندج.

- ملا عبدالکريم مدرس، محمدی ملا کریم (۱۳۸۶) دیوان محوی، چاپ چهارم، انتشارات کردستان- سنندج.